

چکیده

کارکرد مناسب بازار سرمایه می تواند کارایی، سرمایه گذاری و رشد را افزایش داده و هم چنین قادر است از طریق کاهش نگاه داری دارایی های نقدی و افزایش نرخ رشد سرمایه های فیزیکی حداقل در بلند مدت رشد اقتصادی را افزایش دهد.

با توجه به اهمیت این حوزه لزوم توجه به آن و انجام پژوهش های متعدد در این بخش اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. بدین منظور در این مقاله با توجه به ادبیات نظری موجود در حوزه عوامل موثر بر مشارکت افراد در بازار سرمایه متغیر تحصیلات سرمایه گذار به عنوان یکی از مهم ترین عوامل تاثیر گذار بر مشارکت افراد در بازار سرمایه انتخاب شد.

نتایج حاصل از مطالعه کتابخانه ای و بررسی پژوهش های موجود در حوزه مورد بررسی، از اهمیت متغیر تحصیلات و تاثیر آن بر مشارکت افراد در بازار سرمایه حکایت داشته و لزوم توجه به این امر را اجتناب ناپذیر می داند و بیان می کند،

آیا افراد با افزایش سطح تحصیلات، سهام بیشتری خریداری می کنند؟

علی رضا معطوفی
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی

های قبلی خود و دیگران حاصل شود.

تحصیلات رسمی

ادبیات پژوهشی موجود در حوزه متغیر تحصیلات سرمایه گذار نشان می دهد، تحصیلات رسمی می تواند احتمال مشارکت افراد را در بازار سرمایه افزایش دهد.

نتایج پژوهشی نشان می دهد، نوع و سطح تحصیلات خانوارها بر میزان مشارکت آنها در بازار سهام موثر است (کریستینسن^۴ و دیگران^۵، ۲۰۰۵). پژوهش مذکور با بررسی ۱۰ درصد مردم دانمارک به این نتیجه رسید، افرادی که دارای تحصیلات بالاتری هستند (نسبت به افرادی که تحصیلات پایین یا ابتدایی دارند) با احتمال بیش تری در بازار سهام مشارکت می کنند.

هم چنین کریستینسن^۴ و همکارانش بیان می کنند، افرادی که دارای تحصیلات در حوزه اقتصادی هستند به جهت داشتن دانش بیش تر در مورد فرصت های سرمایه گذاری و موازنه ریسک-بازده، با احتمال بیش تری در بازار سهام مشارکت می کنند. آنها معتقدند، افراد دارای دانش اقتصادی می توانند کمتر ریسک گریز و بیش تر خوشبین باشند.

نتایج پژوهش فوق الذکر حاکی از آن است، بین دو گروه سرمایه گذاران با تحصیلات اقتصادی و درآمد بالا، احتمال مشارکت برای سرمایه گذاران با تحصیلات اقتصادی بالاتر است.

در ادامه کریستینسن^۴ و همکارانش با بیان این مطلب که سرمایه گذاران با تحصیلات اقتصادی بالا نسبت به سرمایه گذاران با تحصیلات اقتصادی پایین تر، بیش تر در بازار سهام مشارکت می کنند، به بیان اهمیت تاثیر میزان اطلاعات اقتصادی برای مشارکت افراد در بازار سهام می پردازند.

برن هیم^۳ و دیگران^۵ (۲۰۰۱) در پاسخ به این سوال که آیا تحصیلات مالی در

تعجب آوری بسیاری از خانوارها در سهام سرمایه گذاری نمی کنند. نتایج برخی از پژوهش ها نشان می دهند، که ۵۱ درصد از خانوارهای آمریکایی (هانگ و دیگران^۱، ۲۰۰۴) و ۷۲ درصد از خانوارهای اروپایی (جویسو^۲ و جاپلی^۳، ۲۰۰۳) در سال ۱۹۹۸ فاقد سهام بوده اند و معمای خود را این چنین مطرح می کنند، چرا بسیاری از خانوارها در بازار سهام مشارکت نمی کنند؟

این مقاله در نظر دارد با توجه به مبانی نظری موجود در حوزه عوامل موثر بر مشارکت افراد در بازار سرمایه به تبیین تاثیر تحصیلات سرمایه گذار به عنوان یکی از عوامل موثر بر مشارکت افراد در بازار سرمایه پرداخته و با فراهم آوردن ادبیات نظری مناسب در حوزه متغیر مورد نظر ابزار مناسبی را در اختیار محققین و تصمیم گیرندگان بازار سرمایه کشور قرار دهد.

نتایج حاصل از مطالعه کتابخانه ای و بررسی پژوهش های موجود در حوزه مورد بررسی، از اهمیت متغیر تحصیلات و تاثیر آن بر مشارکت افراد در بازار سرمایه حکایت داشته و لزوم توجه به این امر را اجتناب ناپذیر می داند

تحصیلات سرمایه گذار

نتایج برخی پژوهش ها نشان می دهد، یادگیری و کسب اطلاعات در مورد بازارهای مالی می تواند بر مشارکت افراد در بازار سرمایه موثر باشد. این یادگیری می تواند به طور رسمی و از طریق مدرسه یا دانشگاه باشد و یا به شکل غیر رسمی و به واسطه یادگیری از همکاران و یا تجربه

- 1 - Hong et al
- 2 - Guiso
- 3 - Jappelli



افزایش آگاهی و دانش افراد بالاخص در زمینه مسائل مالی و سرمایه گذاری می تواند موجب افزایش مشارکت افراد در بازار سرمایه و رونق این بازار شده و زمینه های رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورد.

واژگان کلیدی: بازار سرمایه، تحصیلات رسمی سرمایه گذار، تحصیلات غیر رسمی سرمایه گذار.

مقدمه

دستیابی به رشد بلندمدت و مداوم اقتصادی، نیازمند تجهیز و تخصیص بهینه منابع در سطح ملی است و این مهم بدون کمک بازارهای مالی به ویژه بازار سرمایه گسترده و کارآمد به سهولت امکان پذیر نیست. در یک اقتصاد سالم وجود شبکه مالی کارآمد در توزیع مناسب سرمایه و منابع مالی نقش اساسی دارد. با توجه به اهمیت بازار سرمایه به طور

رسیدن به اهداف و تصمیم‌های مالی موثرند یا خیر بیان می‌کنند، تحصیلات مالی نه تنها نرخ پس‌انداز را افزایش می‌دهند، بلکه به احتمال زیاد خانوار را با خالص درآمد مثبت مواجه خواهد ساخت.

پژوهش‌گران فوق در پژوهشی که اولین مدارک و شواهد شبکه‌اتیک را در مورد اثرات بلند مدت رفتاری تحصیلات مالی ارائه می‌کند نشان دادند، خانوارهایی که تحصیلات مالی را در دبیرستان می‌گذرانند نرخ صرفه‌جویی بیش‌تری نسبت به دیگران دارند.

«برن هیم و گارت»^۶ (۲۰۰۳) معتقدند، شواهد نشان می‌دهد کسب دانش مالی در محیط کار به سرعت در حال افزایش است. از آنجا که تصمیم‌های مالی ضعیف ممکن است منجر به شکست و نتایج خسارت‌باری شود افراد به طور داوطلبانه تشویق می‌شوند که به کسب دانش مالی بپردازند.

هم‌چنین کسب دانش مالی در محیط کار می‌تواند بر دامنه وسیعی از رفتار افراد از قبیل تصمیم‌های مربوط به سرمایه‌گذاری

در طرح‌های مشارکت، آمیخته پرتفوی و نرخ کلی پس‌انداز آن‌ها موثر باشد.

«برن هیم و گارت» در پاسخ به این سوال که آیا قابلیت دسترسی به تحصیلات مالی در محیط کار (از طریق روزنامه، شرکت در سمینارها، توزیع صورت‌های مالی شرکت، درگیر کردن کارکنان در

”جویسو و جاپلی“ (۲۰۰۳) عدم مشارکت افراد در بازار سرمایه را ناشی از عوامل مختلفی از قبیل تحصیلات، ثروت، درآمد، روابط بلند مدت با بانک، گرایش به تعاملات اجتماعی و خواندن روزنامه‌های ملی می‌دانند

فعالیت‌های مالی و استفاده از مشاوران و متخصصان مالی) میزان پس‌انداز افراد را افزایش می‌دهد، بیان می‌کنند میزان وجوه انباشته شده افراد مخصوصاً برای بازنشستگی (به شکل سهام و وجه نقد) زمانی که به کارکنان برنامه‌هایی در زمینه

مالی (تحصیلات مالی) ارائه می‌شود به طور معنی‌داری بیش‌تر از متوسط است.

«جویسو و جاپلی» (۲۰۰۳) عدم مشارکت افراد در بازار سرمایه را ناشی از عوامل مختلفی از قبیل تحصیلات، ثروت، درآمد، روابط بلند مدت با بانک، گرایش به تعاملات اجتماعی و خواندن روزنامه‌های ملی می‌دانند.

آنها اگرچه هر یک از عوامل فوق را در شکل‌گیری معماری عدم مشارکت^۷ دخیل می‌دانند ولی اثر متغیر آگاهی و داشتن اطلاعات مالی را مهم‌تر تلقی کرده و فرضیه خود را به این شکل مطرح می‌کنند، فقدان اطلاعات مالی بر عدم مشارکت افراد در بازار سرمایه موثر است.

نتایج پژوهش فوق نشان می‌دهد، نادیده گرفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری توسط افراد یک مانع اصلی در عدم مشارکت افراد در سهام می‌باشد و این نادیده گرفتن فرصت‌ها ناشی از عدم آگاهی است.

«جویسو و جاپلی» بیان می‌کنند، افرادی که دارای تحصیلات بالایی هستند نسبت به افراد با تحصیلات پایین‌تر اطلاعات بیش‌تری دارند، لذا مشارکت آن‌ها در





بازار سرمایه و حتی در بازار اوراق قرضه بیش تر است. آن‌ها معتقدند، داشتن تحصیلات دانشگاهی موجب افزایش آگاهی‌های مالی افراد شده و احتمال مشارکت آن‌ها را در بازار سهام افزایش می‌دهد، در این میان داشتن تحصیلات اقتصادی می‌تواند آگاهی‌های مالی در

”

افرادی که دارای تحصیلات بالایی هستند نسبت به افراد با تحصیلات پایین تر اطلاعات بیش تری دارند، لذا مشارکت آن‌ها در بازار سرمایه و حتی در بازار اوراق قرضه بیش تر است

”

مورد شرکت‌های سرمایه‌گذاری، حساب‌های سرمایه‌گذاری و اوراق قرضه شرکت‌ها را افزایش دهد.

تحصیلات غیر رسمی

در زمینه تاثیر تحصیلات غیر رسمی بالاخص در حوزه اقتصاد و مالی و تاثیرات آن بر مشارکت افراد در بازار سرمایه پژوهش‌های مختلفی انجام شده است.

«هانگ» و دیگران (۲۰۰۴) بیان می‌کنند، مشارکت افراد در بازار سهام تحت تاثیر تعاملات اجتماعی آن‌ها قرار دارد و معتقدند سرمایه‌گذاران اجتماعی بیش تر از همکاران‌شان در بازار سرمایه مشارکت می‌کنند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد، خانوارهایی که با همسایگان‌شان تعامل دارند یا در کلیسا شرکت می‌کنند به احتمال بیش تری نسبت به خانوارهایی که اجتماعی نیستند در بازار سهام مشارکت می‌کنند و این یافته با نتایج بدست آمده از تاثیر همکار بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری افراد سازگار است.

«کریستینسن» و دیگران (۲۰۰۵) معتقدند، سرمایه‌گذارانی که در گذشته در بازار

بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و موسسات تامین مالی فعالیت می‌کنند و یا دارای شغل آزاد یا سطح بالا (پزشکی، استاد دانشگاه و ...) هستند با احتمال بیش تری نسبت به افراد شاغل در سایر مشاغل در بازار سهام مشارکت می‌کنند. آن‌ها با استناد به یافته‌های پژوهش‌های «کووال»^۸ و «موسکویتز»^۹ (۲۰۰۱، ۱۹۹۱) و «گرین بلات»^{۱۰} و «کلوهار جو»^{۱۱} (۲۰۰۰) نشان می‌دهند، سرمایه‌گذاران در سهامی که با آن بیش تر آشنا هستند، سرمایه‌گذاری می‌کنند و معتقدند عقیده عمومی در مورد مسائل مرتبط با سهام به طور احتمالی به میزان مشارکت اشخاص در بازار سهام و توسعه فرهنگ بازار سهام بستگی دارد.

8 - Coval

9 - Moskowitz

10 - Grinblatt

11 - Kelohariu

سهام مشارکت کرده‌اند به جهت آن که بخشی از هزینه‌های مشارکت در بازار سهام را پرداخت کرده و احتمالاً دانش بیش تری در مورد فرصت‌های سرمایه‌گذاری کسب کرده‌اند (نسبت به افرادی که هنوز در بازار سهام مشارکت نکرده‌اند)، احتمال بیش تری برای مشارکت در بازار سرمایه دارند. هم‌چنین یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد، احتمال مشارکت در بازار سرمایه زمانی که همسر سرمایه‌گذار دارای دانش اقتصادی است، افزایش می‌یابد. این یافته با این فرض که اطلاعات بین اعضای خانواده تقسیم می‌شود سازگار است و از طرفی این فرض را که اطلاعات در مورد اقتصاد احتمال سرمایه‌گذاری در سهام را افزایش می‌دهد، تایید می‌کند.

«کریستینسن» و همکارانش بیان می‌کنند، افرادی که در بخش‌های مالی (از قبیل



دافلو^{۱۲} و سیز^{۱۳} (۲۰۰۲) در پژوهشی با بررسی تاثیر همکاران بر تصمیم‌های مربوط به مشارکت افراد در طرح‌های بازنشستگی نشان می‌دهند، اکثر تصمیم‌های افراد در یک گروه اجتماعی به هم مرتبط هستند، به عبارت دیگر افراد سعی می‌کنند از دیگران تقلید کنند. از طرفی تصمیم‌های آن‌ها ممکن است به وسیله عوامل مشترک در گروه مثل سلايق، سوابق و متغیرهای محیطی مشترک تحت تاثیر قرار گیرد.

ویسبنر^{۱۴} (۱۹۹۹) بیان می‌کند، خانوارهایی که در طرح‌های بازنشستگی شرکت می‌کنند با احتمال بیشتری در سهام دیگر (خارج از طرح بازنشستگی) سرمایه‌گذاری می‌کنند. وی معتقد است، سرمایه‌گذاری در طرح‌های بازنشستگی

”
مشارکت افراد در بازار سهام تحت تاثیر تعاملات اجتماعی آن‌ها قرار دارد و معتقدند سرمایه‌گذاران اجتماعی پیش‌تر از همکاران‌شان در بازار سرمایه مشارکت می‌کنند
“

عامل تعیین‌کننده ترکیب پرتفوی خانوار می‌باشد و احتمال مالکیت دارایی‌های اطلاعات محور (دارایی‌هایی که برای تحصیل آن‌ها لازم است اطلاعات کافی در اختیار داشت مثل سهام شرکت‌ها، اوراق قرضه شهرداری‌ها، گواهی نامه سپرده، اوراق قرضه پس‌انداز، اوراق قرضه خزانه، ابزار و وجوه بازار پول) با افزایش اطلاعات، افزایش می‌یابد. کینگ^{۱۵} و لیپ^{۱۶} با بیان این مطلب که، توزیع میزان دارایی‌های نگاه‌داری شده به وسیله افراد از توزیع پواسون پیروی می‌کند معتقدند، میزان دارایی‌های نگاه‌داری شده توسط افراد نه تنها به وسیله هزینه‌های مبادله بلکه به وسیله اطلاعات ناقص در مورد فرصت‌های سرمایه‌گذاری نیز

فراهم آوردن اطلاعات مالی در محیط کار بوده و بر تصمیم سرمایه‌گذاری کارکنان و ادراک آن‌ها در مورد دارایی ریسکی موثرند. کینگ^{۱۵} و لیپ^{۱۶} (۱۹۸۷) طی بررسی ۴۰ درصد افرادی که در بازار سرمایه مشارکت نکرده بودند به این نتیجه رسیدند که آن‌ها اطلاعات کافی در مورد بازار سهام نداشته‌اند، لذا دلیلی برای نگاه‌داری سهام نمی‌دیدند.

آن‌ها در پاسخ به این سوال که اطلاعات در مورد فرصت‌های سرمایه‌گذاری در طول زمان به طور اتفاقی افزایش می‌یابد بیان می‌کنند، اطلاعات ناقص یک

15 - King

16 - Leape

از طریق فراهم آوردن دانش مالی، بر تصمیم‌های مالی خانوارها تأثیر می‌گذارد. او بیان می‌کند، خانوارهایی که در طرح‌های بازنشستگی شرکت می‌کنند نسبت به خانوارهایی که در این طرح‌ها مشارکت نکرده‌اند، ۲۰ درصد احتمال بیشتری وجود دارد که در سهام خارج از طرح‌های بازنشستگی سرمایه‌گذاری کنند. همچنین وی بیان می‌کند، سمینارها، خبرنامه‌ها و دوره‌های کوتاه مدت که در مورد مزایای طرح‌های بازنشستگی یا سایر طرح‌های سرمایه‌گذاری بنگاه توضیح می‌دهند، ابزار مناسبی جهت

12 - Duffi

13 - Saez

14 - Weisbenner

شرکت ها، سهام شرکت های سرمایه گذاری، سرمایه گذاری در صندوق های بازنشستگی، سپرده های سرمایه گذاری قابل معامله و دارایی های بدون ریسک را به حساب جاری، سپرده پس انداز، سرمایه گذاری در بازار پول، گواهی نامه سپرده و ارزش نقدی بیمه عمر تقسیم بندی می کنند.

«هلیاسوس و برتوت» بیان می کنند، در همه گروه های سنی مورد بررسی متوسط سهام نگه داری شده و متوسط ثروت مالی متناسب با افزایش تحصیلات، افزایش می یابند

«برون و دیگران»^{۱۹} (۲۰۰۴) در پژوهشی به



”

«کریستین» و همکارانش بیان می کنند. افرادی که در بخش های مالی (از قبیل بانک ها، شرکت های بیمه و موسسات تامین مالی) فعالیت می کنند و یا دارای شغل آزاد یا سطح بالا (پزشکی، استاد دانشگاه و ...) هستند با احتمال بیش تری نسبت به افراد شاغل در سایر مشاغل در بازار سهام مشارکت می کنند

”

بررسی اهمیت و تاثیر دو اثر جغرافیای بر مشارکت در بازار سهام پرداختند. اثر اول عبارت است از اثر جامعه، یعنی در جامعه ای که بخش زیادی از افراد آن در سهام سرمایه گذاری کرده اند، افراد احتمال بیش تری دارد که در بازار سرمایه مشارکت کنند. نتایج پژوهش آن ها نشان می دهد، ۱۰ درصد افزایش در مشارکت افراد جامعه، ۲ درصد احتمال مشارکت شخصی (فردی) را افزایش می دهد. هم چنین نتایج پژوهش فوق نشان می دهد، این اثر برای خانوارهایی که از لحاظ وضعیت مالی وضعیت مناسبی ندارند و یا خانوارهایی که بیش تر تحت تاثیر

اما آن چه که مهم تر است انتظارات یا ادراک افراد در مورد رشد اقتصادی است. هم چنین افراد به اطلاعات در مورد بازده بازار سهام اطمینان نمی کنند بلکه آن چه که آن ها در مورد بازده بازار سهام درک کرده و انتظار دارند، بر تصمیم سرمایه گذاری آن ها موثر است.

«هلیاسوس» و «برتوت»^{۲۰} (۱۹۹۵) معتقدند، خانوارها احتمالاً بخشی از ثروت خود را به خاطر برخی مقاصد یا انگیزه های کوتاه مدت از قبیل نیاز به انجام معامله یا مخارج جاری در دارایی های بدون ریسک، سرمایه گذاری می کنند. آن ها دارایی های ریسکی را به سهام

تحت تاثیر قرار می گیرد. «کزدی»^{۱۷} و «ویلیس»^{۱۸} (۲۰۰۳) در بررسی این که چرا برخی از افراد سهام نگه داری می کنند و برخی دیگر خیر، پاسخ می دهند مالکیت سهام و احتمال سهام دار شدن به طور قوی و مثبت با سطح انتظارات افراد مرتبط است. آن ها معتقدند، ادراکات متفاوت از پیامدهای عدم اطمینان منجر به انتخاب متفاوت فرصت های سرمایه گذاری می شود و ناهمگونی اطلاعات این امر را افزایش می دهد.

نتایج پژوهش فوق نشان می دهد، اگر چه رشد اقتصادی مهم است و می تواند تاثیر مثبتی بر سرمایه گذاری افراد بگذارد،

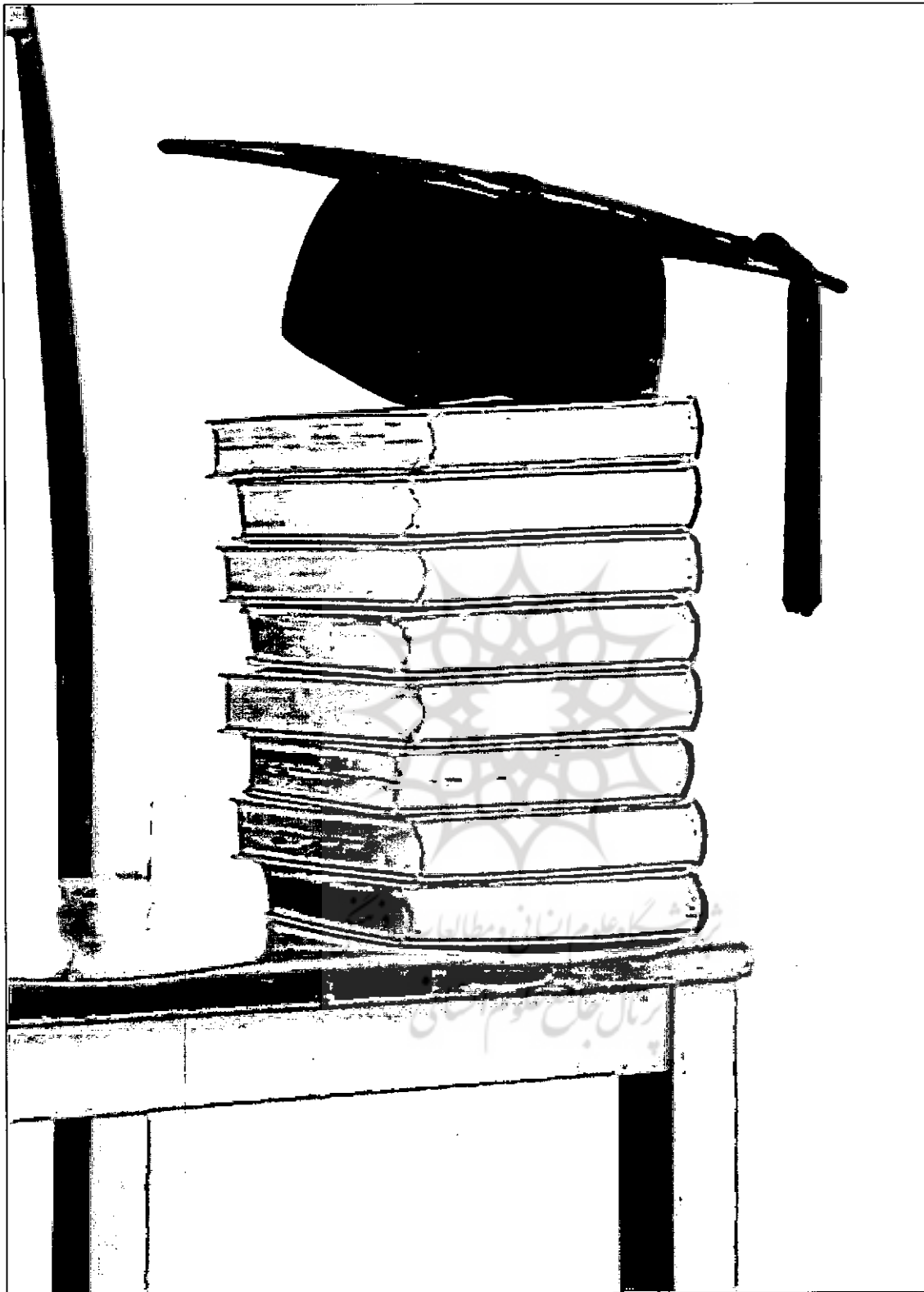
21 - Brown et al

19 - Halliassos

17 - Kezdi

20 - Bertaut

18 - willis



تصمیم‌های سرمایه‌گذاری همسایگان خود که آن‌ها را شبیه به خود می‌بینند هستند، قوی‌تر است. اثر دوم، اثر بنگاه محلی است، به عبارت دیگر گرایش (تمایل) افراد به خرید سهام به طور مثبتی تحت تأثیر حضور بنگاه در جامعه قرار می‌گیرد و به نظر می‌رسد این اثر در میان اقصاد با درآمد بالا قوی‌تر است. آن‌ها معتقدند، دو دلیل برای این امر که بنگاه‌های محلی احتمال مشارکت در بازار سهام را افزایش می‌دهند، وجود دارد.

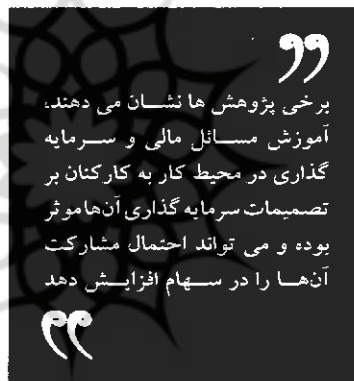
متغیر تحصیلات و تاثیر آن بر مشارکت افراد در بازار سرمایه حکایت داشته و لزوم توجه به این امر را اجتناب ناپذیر می دانند و بیان می کنند، افزایش آگاهی و دانش افراد بالاخص در زمینه مسائل مالی و سرمایه گذاری می تواند موجب افزایش مشارکت افراد در بازار سرمایه و رونق این بازار شده و زمینه های رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورد.

References:

- Baier, Scott and et al.(2003). Does Opening a Stock Exchange Increase Economic Growth? . Federal Reserve Bank of Atlanta.
- Bencivenga, Valerie and Bruce D.Smith.(1991). Financial Intermediation and Endogenous Growth . Review Of Economic Studies.
- Bernheim, B.D. and Garrett, D.M.(2003). The Effects Of Financial Education in the Workplace: Evidence From a Survey Of Households, Journal Of Public Economics.
- Bernheim, B. D. and et al .(2001). Education and Saving: the Long-Term Effects Of High-School Financial Curriculum Mandates, Journal Of Public Economics.
- Brown, Jeffrey B.; Ivkovic, Zoran, Smith, Paul A. and Weisbener, Scott.(2004). The Geography of Stock Market Participation: The influence of Communities and Local Firms, University of Illinois at Urbana-Champaign and NBER.
- Christiansen, Charlotte and et al .(2005). Do More Economists Hold Stocks?.
- Dufo, E. and Saez, E.(2002). Participation and Investment Decisions in a Retirement Plan: The Influence Of Colleagues choices, Journal Of Public Economics.
- Guiso, L. and Jappelli, T.(2003). Awareness and Stock Market Participation, University Of Salerno.
- Haliassos, M. and Bertaut, C.C. (1995). Why Do So Few Hold Stocks?. Economic Journal.
- Hong, Harrison and et al .(2004). Social Interaction and Stock-Market Participation, The Journal Of Finance.
- Kezdi, Gabor and Robert J.Willis .(2003). Who Becomes A stockholder Expectations, Subjective Uncertainty and Asset Allocation, Michigan Retirement Research Center.
- King, Mervya A. and Jonathon I. Leape .(1987). Asset Accumulation, Information, and the Life Cycle, NBER Working Paper No. 2392. Cambridge MA: National Bureau Of Economic Research.
- Weisbener, Scott .(1999). Do Pension Plans With Participant Investment Choice Teach Households to Hold More Equity?.

ادبیات پژوهشی موجود در حوزه موضوع مورد بررسی، تحصیلات سرمایه گذار را به دو بخش (تحصیلات رسمی و غیر رسمی) تقسیم می کند. تحصیلات رسمی به یادگیری و کسب آگاهی از طریق مدرسه و دانشگاه و تحصیلات غیر رسمی به یادگیری از دیگران و تجربه های قبلی اشاره دارند.

نتایج پژوهش های مختلف در هر دو حوزه فوق الذکر نشان می دهد، دانش و آگاهی بر مشارکت افراد بازار سرمایه تاثیر مستقیم دارد. نتایج پژوهش های متعدد حاکی از آن است، افرادی که دارای تحصیلات بالا بالاخص در زمینه مالی و اقتصادی هستند به جهت آگاهی از فرصت های سرمایه گذاری با احتمال بیشتری در بازار سهام مشارکت می کنند.



برخی پژوهش ها نشان می دهند، آموزش مسائل مالی و سرمایه گذاری در محیط کار به کارکنان بر تصمیمات سرمایه گذاری آنها موثر بوده و می تواند احتمال مشارکت آنها را در سهام افزایش دهد.

برخی پژوهش ها نشان می دهند، آموزش مسائل مالی و سرمایه گذاری در محیط کار به کارکنان بر تصمیمات سرمایه گذاری آنها موثر بوده و می تواند احتمال مشارکت آنها را در سهام افزایش دهد. بعضی دیگر نیز با توجه به تاثیر تحصیلات غیر رسمی به اشکال مختلف آن از قبیل تاثیر همکاران، تعامل اجتماعی با همسایگان، یادگیری از همسر، استفاده از تجربه های قبلی و رسانه های جمعی بر تاثیر این شکل از یادگیری مسائل مالی و سرمایه گذاری بر مشارکت افراد در بازار سرمایه تاکید داشته و معتقدند، این شکل از یادگیری می تواند احتمال مشارکت افراد در بازار سرمایه را افزایش دهد.

نتایج پژوهش های مختلف از اهمیت

اول این که یک آشنایی ساده نسبت به بنگاه وجود دارد. بنگاه در جامعه به طور مستقیم (مثل حمایت هایی که در رویدادهای اجتماعی انجام می دهد) و غیر مستقیم (مثل تعامل اجتماعی شهروندان با کارکنان بنگاه) شناخته می شود.

دوم حضور بنگاه در جامعه منجر به افزایش جریان اطلاعات از طریق روزنامه های محلی یا اخبار تلویزیونی در مورد جزئیات عملیات شرکت می شود و به طور کل می تواند توجه بیشتری را به سمت بازار سرمایه جلب کند. آشنایی یا دانش در مورد بنگاه خاص می تواند احتمال مشارکت اشخاص در بازار سهام را افزایش دهد.

نتیجه گیری

کارکرد مناسب بازار سرمایه می تواند کارایی، سرمایه گذاری و رشد را افزایش داده (بایر و دیگران²²، ۲۰۰۳) و از طریق کاهش نگرانی های دارایی های نقدی و افزایش نرخ رشد سرمایه های فیزیکی حداقل در بلند مدت رشد اقتصادی را افزایش دهد (بن سیونگا²³ و بروس²⁴، ۱۹۹۱).

با توجه به کارکرد بازارهای مالی در اقتصاد ملی از قبیل تجهیز منابع پس اندازی و هدایت آن به سوی فعالیت های مولد اقتصادی، تعیین قیمت و جوه سرمایه، انتشار و تحلیل اطلاعات و توزیع ریسک اقتصادی، لزوم توجه به عواملی که می توانند بر احتمال مشارکت افراد در بازار سرمایه تاثیر بگذارند ضروری به نظر می رسد.

این مقاله با توجه به ادبیات پژوهشی موجود در حوزه عوامل موثر بر مشارکت افراد در بازار سرمایه به تشریح متغیر تحصیلات افراد و تاثیر آن بر تصمیمات سرمایه گذاری آنها در سهام به عنوان یکی از مهم ترین عوامل موجود در حوزه مورد بررسی پرداخت.

22 - Baier and et al

23 - Bencivenga

24 - Bruce